

## احمد رضا صیادی

کارشناس ارشد زبان و ادب و دبیر دبیرستان‌های اصفهان

## عبدالحسین رحمتی

کارشناس ادبیات شهرضا

### چکیده

آغاز موج سوم (عصر فراصنعتی) و مدرنیسم، همه ابعاد زندگی بشری از جمله ادبیات و به‌ویژه داستان را همچون دیگر نموده‌های اجتماعی تحت تأثیر قرار داد. داستان مینی‌مالیستی با تکیه بر ایجاز و کم‌گویی اما گزیده‌گویی، سعی در هماهنگی با این سرعت دارد. عواملی چون بی‌حوصلگی و عدم تمرکز حواس آدمیان عصر مجلات، واکنش در مقابل روشنفکر مآبی و انبوه‌نویسی، ساده‌پذیری - که توسط سینما و تلویزیون رواج یافته بود - نامطلوب بودن دانش مقدماتی دستور زبان و زبان‌شناسی نویسندگان جوان و... منجر به بروز مینی‌مالیسم (Minimalism) در عرصه نویسندگی و داستان‌پردازی شد. در ادبیات فارسی نیز داستان‌ها یا مسائلی بسیار مختصر اما کامل آمده‌اند که دقیقاً منطبق با چنین رویکردی هستند و ما در این مقاله سعی بر آن داریم که به بررسی آنها بپردازیم. از آن جمله‌اند: حکایات گلستان، حکایات عارفانه و با تسامح، دوبیتی و رباعی و طرح.

### کلید واژه‌ها:

مینی‌مالیسم، ایجاز، داستان کوتاه، حکایات، دوبیتی، طرح.





## مقدمه

ادبیات داستانی، به‌ویژه داستان کوتاه، در نیمه دوم قرن بیستم شکل تازه‌ای را تجربه کرد و آن، فرایند خردگرایی یا حداقل‌گرایی بود. «جان بارت» برخی از شرایط اجتماعی را که منجر به پیدایش مینی‌مالیسم شدند، این‌گونه برمی‌شمرد:

۱. شرایط ملی پس از جنگ ویتنام؛
۲. بحران انرژی در سال‌های ۷۶-۱۹۷۳ میلادی که با بحران جنگ ویتنام هم‌زمان بود؛
۳. ساده‌پذیری که توسط سینما و تلویزیون رواج یافته بود؛
۴. نامطلوب‌بودن سطح دانش مقدماتی دستور زبان و زبان‌شناسی نویسندگان جوان؛
۵. بی‌حوصلگی و عدم تمرکز حواس آدمیان «عصر مجلات»؛
۶. واکنش در برابر روشن‌فکر مآبی و انبوه‌نویسی؛

۷. اجتناب‌ناپذیر بودن تأثیر تبلیغات تجاری - سیاسی آمریکا که با تکنولوژی برتر، فضایی برای اصل‌سازگی باز کرده بود.<sup>۱</sup> اگر داستان کوتاه را یک برش از زندگی بدانیم، این‌گونه ادبی که مبتنی بر ایجاز و فشردگی است، یک لحظه کوتاه از زندگی به حساب می‌آید. البته آن دو تفاوت‌های دیگری نیز با هم دارند. این‌گونه داستانی در اروپا بسیار مورد پسند واقع شد و کسانی چون ریموند کارور، فردریک بارتمی و آن بتی به آن پرداختند. در ایران نیز علی‌اصغر ارجمی، فریدون هدایت‌پور و عبدالحسین نیری داستان‌هایی مینی‌مال را خلق و ارائه کردند. «مینی‌مالیسم» و داستان‌هایش را نباید با «هایکو» و «تانکا»<sup>۲</sup> اشتباه گرفت که اینها بیشتر در شرق به‌ویژه ژاپن مورد توجه بوده‌اند و در ضمن، گونه شعری هستند و ادبیات مینی‌مال، مبتنی بر نثر است نه شعر اما اغلب بر سبیل تسامح، گاهی به اشعار نیز با چنین رویکردی نگریسته می‌شود.

## پیشینه مینی‌مالیسم

«برخی از محققان سابقه داستان کوتاه را به قرن چهاردهم میلادی می‌رسانند. در این قرن، دو کتاب معروف قصه نوشته شد: یکی «دکامرون» اثر «پوکاچیو» و دیگری «قصه‌های کانتربری» نوشته «چاسر». این دو کتاب را می‌توان مجموعه داستان‌های کوتاه دانست<sup>۳</sup> اما داستان کوتاه به معنی امروزی در قرن نوزدهم شکل گرفت و نخستین کسی که به‌طور جدی بدان پرداخت، «ادگار آلن پو» است.<sup>۴</sup> «آلن پو» اولین بیانیه غیررسمی «مینی‌مال» را در سال ۱۸۴۲ میلادی صادر کرد. او گفت: «در تمام اثر نباید واژه‌ای باشد که جذابیت آن با طرح از پیش تعیین شده اثر بیگانگی کند؛ به‌خصوص باید از این درازنویسی بی‌پایان خودداری کرد»<sup>۵</sup>.

جمال میرصادقی می‌گوید: «واژه مینی‌مالیسم اولین بار برای آخرین اثر نمایشی «ساموئل بکت» ایرلندی به نام «نفس» به‌کار رفته است که سی‌ثانیه طول کشید؛ به سال ۱۹۶۹».

این صحنه چنین است: «صحنه‌های نیمه تاریک ظاهر می‌شود، چیزی جز آشغال روی صحنه نیست، صدای ضبط شده آدمی که گریه می‌کند به گوش می‌رسد. پس از آن، صدای بازدم و نفس کشیدن که با بازی نور همراه است و سپس دوباره صدای گریه؛ بیست و پنج ثانیه بعد پرده پایین می‌آید»<sup>۶</sup>.

داستان کوتاه به سبک غربی در ایران با مجموعه داستان «یکی بود یکی نبود» (۱۳۰۰ ه. ش) اثر محمدعلی جمالزاده شروع شد بعد از ایشان، کسانی چون صادق هدایت، بزرگ علوی و... در این راه کوشیدند اما به نظر می‌رسد که کتاب «در خانه اگر کس است» از فریدون هدایت‌پور و عبدالحسین نیری، چاپ ۱۳۳۹ (ه. ش) که در مجموع، شامل ۲۶ صفحه و ۱۰ داستان بسیار کوتاه است، اولین تمایلات مینی‌مالیستی را در ایران نشان داده باشند.<sup>۷</sup>

اصطلاح مینی‌مالیسم از پیکرتراشی و نقاشی مدرن وام گرفته شده و سپس به ادبیات راه یافته است. آغاز این جنبش به دهه ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردد. در واقع، نطفه آن در اروپا بسته شده و در آمریکا رشد یافته است. باید گفت مینی‌مالیسم یا خردگرایی، یا موجزگرایی یا حداقل‌گرایی در مقابل ماکسی‌مالیسم<sup>۸</sup> یا کلان‌گرایی یا انبوه‌گرایی، سبک یا اصل ادبی‌ای است که بر پایه فشردگی افراطی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر بنا شده است. مینی‌مالیست‌ها در فشردگی و ایجاز تا آنجا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و کوتاه‌ترین شکل باقی بماند. این نوع ادبی یک لحظه است؛ در مقابل داستان کوتاه که یک برش از زندگی است.<sup>۹</sup> از نویسندگان معروف این سبک می‌توان به ریموند کارور، فردریک بارتمی، آن بتی، بابی آن مسیون، تویبیس و ولف، مری و جیمز رابینسون اشاره کرد: ویژگی‌های داستان مینی‌مال را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد. الف) طرح (plan) ساده: طرح داستان، چنان ساده است که به نظر می‌رسد حادثه‌ای رخ نداده و نباید منتظر معماهای پلیسی و حقایق آن باشیم. این طرح، فرصت پیچیدگی را می‌گیرد؛ مثلاً:

گفتند: نه

گفتم: خیلی هم دلشون بخواد؛ چه کسی رو بهتر از تو پیدا می‌کنند.

گفتی: آخه مردم حق دارند؛ دخترشون رو با هزار امید به خونه بخت می‌فرستند.

گفتم: وقتی مثل شاخ شمشاد کنار مادر عروس نشسته بودی و باهاش حرف می‌زدی، دوباره سرفه‌هاش شروع شد.

دلهم هری ریخت تو...

گفتی: آخه مردم می‌دونند، عمر ما زیاد نیست. حالا سنگتو با گلاب شستم. شمع‌هاتو هم روشن کردم.

قسمت ما این بود مادر، دیگه باید برم، خداحافظ.»

ب) ایجاز بیش از حد: شعار اصلی مینی‌مال‌ها «دوری از هرگونه





داستان کوتاه به سبک  
غربی در ایران با  
مجموعه داستان «یکی  
بود یکی نبود» (۱۳۰۰)  
جمالزاده شروع شد بعد  
از ایشان، کمانی چون  
صادق هدایت، بزرگ  
علوی و... در این راه  
کوشیدند اما به نظر  
می‌رسد که کتاب «در  
خانه اگر کس است»  
از فریدون هدایت‌پور  
و عبدالحسین نیری،  
چاپ ۱۳۳۹ (ه. ش) که  
در مجموع، شامل ۲۶  
صفحه و ۱۰ داستان  
بسیار کوتاه است، اولین  
نمایشات مینی‌مالیستی را  
در ایران نشان داده است

حشو و زواید» است و می‌گویند «کم هم زیاد است». این سخن «روبرت براونینگ» است. «هنری جیمز» می‌گوید: «نشان دهید، حرف نزنید و یک کلمه بیشتر از آنچه به شدت ضروری است، نگوید»<sup>۱۲</sup>. به این حکایت بنگرید: «یکی مژده آورد پیش انوشیروان عادل که: «خدای تعالی فلان دشمنت برداشت». گفت: «هیچ شنیدی که مرا فرو گذاشت»<sup>۱۳</sup>.

پ) محدودیت زمانی و مکانی: بسیاری از داستان‌های کوتاه در یک وسعت زمانی و مکانی به بازگویی حوادث می‌پردازند اما در مینی‌مالیسم، حوادث در زمانی کمتر از یک روز، چند ساعت و گاهی چند ساعت اتفاق می‌افتند. چون زمینه‌های داستان‌ها، ثابت و گذشت زمان بسیار کم است و تغییر مکانی هم بسیار ناچیز است و به‌ندرت رخ می‌دهد.

«پیرمرد خیلی پولدار بود، خیلی ... همه عمرشو پول جمع کرده بود. سر هر کسی که تونسته بود، کلاه گذاشته بود و زندگی خیلی‌ها رو از بین برده بود ولی همه ثروتش حتی یک لحظه نمی‌تونست جلوی سرطانی رو بگیره. از مرگ می‌ترسید. البته به دوزخ و این حرفا خیلی اعتقاد نداشت اما باز می‌ترسید. تصمیم گرفته بود قبل از مرگ جبران کنه. بالاخره کار از محکم‌کاری عیب نمی‌کرد. چند روز قبل از مرگ همه داراییش رو به یک مؤسسه قرض‌الحسنه یا چیزی شبیه به اون بخشید و با وجدانی آسوده منتظر مرگ شد»<sup>۱۴</sup> (ت بیان روایت در زمان حال: کوتاهی زمان و محدودبودن مکان در مینی‌مال این احساس را در خواننده به‌وجود می‌آورد که حوادث پیش روی او رخ می‌دهند. برای تشدید این حالت، نویسندگان از بیان روایت به زبان حال استفاده می‌کنند.

«حل معمای هستی را نوک زبانم حس می‌کنم. آن قدر کوچک است و آن قدر ساده که حل جهانی از بی‌نهایت معماها را زنجیره‌وار در پی خود دارد. آری، راز آفرینش را می‌دانم. نوک زبانم هست. اتفاقاً بسیار ساده است. شاید بسیار هم مسخره باشد اما هر قدر به مغزم فشار می‌آورم، بر زبانم نمی‌آید. انگار که روی نوک زبانم گیر کرده است. فقط منتظر شلیک یک گلوله در مغزم است تا این راز بر زبان جاری گردد! گلوله درخان چرخیده است. هم اوست که آمده نفسم را بگیرد. اینک راز هستی بر زبانم جاری شده است اما کسی را نمی‌بینم که این راز را بر او برملا سازم»<sup>۱۵</sup> (ث شخصیت: تعدد شخصیت به دلیل کوتاهی وجود ندارد و گاهی انسان‌های تنها، مایوس و زخم‌خورده‌اند که داستان را می‌آفرینند.

«تنها، فرار کردم، تنها، آزاد بودم... تقریباً آن قدر نقب زدم تا اینکه سقف پایین ریخت. نیمه مدفون شدم. پرتو ماه چشمم را می‌زد. بیرون پریدم و دویدم. آژیر ناله کرد.

تفنگی بنگ. سگ‌ها زوزه کشیدند. در آب شیرجه زدم. به طرف پایین رود شناور بودم. در امتداد مرز، به طرف آزادی! هنوز، تنها، آزادی از من طفره می‌رود»<sup>۱۶</sup>.

ج) سادگی زبان: کوتاهی بیش از حد و محدودیت فضا، فرصت آرایه‌پردازی و زیبایی‌آفرینی بلاغی را می‌گیرد و باعث واقع‌گرایی زبان می‌شود.

چ) واقع‌گرایی: به دلیل کوتاهی و ایجاز، فرصتی برای خیال‌پردازی نیست؛ لذا زبان واقع‌گرا می‌شود و با رمانیسم در تضاد قرار می‌گیرد.

ح) بر خورداری از تم (موضوع) جذاب: قصه برای مینی‌مال مثل مواد منفجره است که هر چند کدام است، باید انفجاری بزرگ ایجاد کند؛ چون در محفظه‌ای در بسته و کوچک است.

«شیر پنجه‌اش را نشان داد و گفت: این کتیبه قدرت است. مار همان لحظه از دام پوست کهنه‌اش خارج شد و پاسخ داد: این کتیبه جاودانگی است»

پوست شیر کف اتاق پهن بود و پوست مار روی دیوار. شکارچی پیر روی صندلی راحتی به‌گفت‌وگویی آن دو می‌خندید و کسی در اتاق نبود»<sup>۱۷</sup>.

خ) بهره‌وری از حداقل عناصر داستان مثل گفت‌وگو و تلخیص، به دلیل اختصار مطلب؛

د) تمامیت و کمال: چون مینی‌مال فاقد حوادث و گره‌گشایی‌های داستان کوتاه است، نمای کلی و کمال داستان را می‌توان در همان نگاه اول دریافت. تسامحاً به این طرح از قیصر امین‌پور بنگرید:

شهیدی که بر خاک می‌خفت

چنین در دلش گفت:

«اگر فتح این است

که دشمن شکست،

چرا همچنان دشمنی هست؟»

شهیدی که بر خاک می‌خفت

سر انگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت

دو سه حرف بر سنگ:

«به امید پیروزی واقعی

نه در جنگ،

که بر جنگ!»<sup>۱۸</sup>

ذ) بیان داستان به زبان و روایت تصویری: نویسنده مینی‌مال تنها روایتگر است و قضاوت برعهده خواننده قرار می‌گیرد.

حال سخن بر سر این است که آیا این‌گونه با مشخصات یادشده روح داستان را از بین نمی‌برد. معترضان می‌گویند «مینی‌مال، روح داستان را خراب می‌کند و با الفاظی مثل

مینی مالیسسم در ادبیات غرب، به‌ویژه ادبیات آمریکا، پدیده‌ای نو محسوب می‌شود اما در ادبیات مشرق زمین به‌ویژه ادبیات گران سنگ فارسی نمونه‌های بسیاری می‌توان یافت که قابل انطباق با این گونه ادبی است



جواب به این ایراد می‌گوییم که به قول بارتلمی: «خیلی عجیب است اگر داستان همه این چیزها را نداشته باشد و به این خوبی باشد که می‌گویند: پس این داد و فریاد چیست؟»<sup>۱۶</sup> در ادب فارسی بسیاری از شعرا و نویسندگان بیشترین و مهم‌ترین مطالب را در قالب یک حکایت کوتاه، مثل حکایات گلستان، یا با تسامح یکی از رباعیات خیام یا یک طرح مطرح کرده‌اند و توانسته‌اند به خوبی از عهده‌اش برآیند. پس، روح داستان چه در مینی‌مال باشد چه در دیگری، باید توسط نویسنده به خوبی پرورده شود و الا سخن معترضان درست است و آن عظمت را در زندگی انسان نخواهد داشت.

### نتیجه

مینی مالیسسم در ادبیات غرب، به‌ویژه ادبیات آمریکا، پدیده‌ای نو محسوب می‌شود اما در ادبیات مشرق زمین به‌ویژه ادبیات گران سنگ فارسی نمونه‌های بسیاری می‌توان یافت که قابل انطباق با این گونه ادبی است؛ یعنی، در ژانر هابکوها و در ایران دوبیتی و رباعی و حکایات کوتاه و در شعر معاصر «طرح» از مصادیق مینی‌مال و مصداق بارز خردگرایی هستند. به هر روی، جامعه بشری با پیشرفت تکنولوژی ارتباط، رشد سرسام‌آور علوم و فنون، بی‌حوصلگی مخاطبان در خواندن داستان‌های بلند و شرایط سیاسی-اجتماعی، پذیرای این مقوله ادبی است.

### پی‌نوشت

- چند کلمه درباره مینی‌مالیسسم، جان بارت، مترجم: مریم نبوی‌نژاد/ ۱۳۷۵، زنده‌رود، شماره‌های ۱۴ و ۱۵ و ۱۶.
- MOAREK.BLOGFA.COM نیز رک:
- «هایکو» نوعی شعر ژاپنی است، متشکل از سه مصراع به ترتیب ۵-۷-۵ هجا که در مجموع ۱۷ هجا می‌شود. هایکو معمولاً اندیشه، تصویری خیالی یا احساسی را ارائه می‌دهد و در حقیقت شبیه عکس فوری ظریفی است که به وسیله کلمات به‌وجود آمده باشد... زمینه فکری و فلسفی آن «آیین ذن» است که به یگانگی انسان با کل هستی و طبیعت اعتقاد دارد. معروف‌ترین شاعران هایکو سرای ژاپنی، باشو (۱۶۹۴-۱۶۴۴ م) و کویا‌یاشی (۱۸۲۸-۱۷۶۳ م) هستند.
- نمونه یک هایکو از شاعری به نام «تانی کوشی بوسون» (۱۷۱۵-۱۷۸۳ م) ترجمه احمد شاملو:
- شبنم سپید
- بر کرت سیب‌زمینی
- کهکشانی!
- «تانکا» نوعی شعر غنایی ژاپنی است، نظیر هایکو، شامل پنج مصراع که در آن مصراع‌های اول و سوم، پنج هجایی و مصراع‌های دیگر، هفت هجایی هستند. روی هم، تانکا از سی و یک هجا تشکیل می‌شود. (به نقل از: واژه‌نامه هنر شاعری، میرصادقی، ۱۳۷۶: ۳۰۲ و ۵۱).

«رنالیسم سوپر مارکتی، آدامس بادی شیک، مینی‌مالیسسم پپسی کولایی»<sup>۱۹</sup> از آن یاد می‌کنند و معتقدند که این اعتراضات بر مینی‌مال وارد است.

۱. حذف ایده‌های فلسفی بزرگ؛ اما نگارنده معتقد است در ادب پارسی داستان‌های مینی‌مالی داریم که سرشار از ایده‌های فلسفی هستند؛ مثلاً سعدی در گلستان گوید:

«پادشاهی پارسایی را دید. گفت: هیچت از ما یاد می‌آید. گفت: بلی! وقتی که خدای را فراموش می‌کنم».

یا این حکایت‌ها:  
«رنجوری را گفتند: دلت چه می‌خواهد؟ گفت: آن که دلم هیچ نخواهد».<sup>۲۰</sup>

در ضمن، اگر با تسامح بنگریم در شعر فارسی ابیاتی هست که به بهترین وجه ایده‌های فلسفی را بیان می‌کنند و به نوعی مینی‌مال‌اند.

شنیدم که جمشید فرخ سرشت  
به سرچشمه‌های بر، به سنگی نبشت  
بر این چشمه چون ما بسی دم زدند  
برفتند چون چشم برهم زدند<sup>۲۱</sup>  
همه رباعیات خیام که از مفاهیم بلند فلسفی سرشارند؛ نوعی مینی‌مال‌اند.

۲. مطرح نکردن مفاهیم تاریخی: ماهیت مینی‌مال اجازه نمی‌دهد به حوادث تاریخی بپردازد اما از آنها بسیار بهره می‌برد ولی اشاره‌وار و گذرا. در ادبیات فارسی، کسانی چون سعدی به وقایع تاریخی اشاره می‌کنند؛ در حالی که مطلب را به سبک مینی‌مال می‌گویند، البته با تسامح و چنان‌که گفتیم، اگر نظم را هم وارد نثر و داستان کنیم.

شنیدم که دزدی درآمد ز دشت  
به دروازه سیستان بر گذشت  
بدزدید بقال ازو نیم دانگ  
بر آورد دزد سیه کار بانگ  
خدایا تو شیرو به آتش مسوز  
که ره می‌زند سیستانی به روز<sup>۲۲</sup>

«در سیرت اردشیر بابکان آمده است که حکیمی [عرب] را پرسید که روزی چه مایه طعام مصلحت است خوردن؟ بگفت صد ردم [سنگ] کفایت کند».<sup>۲۳</sup>

- عدم موضع‌گیری سیاسی
- عمیق نبودن شخصیت‌ها به اندازه کافی
- توصیفات ساده
- یکنواختی سبک.

حال به پرسش قبیل برمی‌گردیم که آیا روح داستان در مینی‌مال از بین نمی‌رود یا نه. گفتیم که مخالفان می‌گویند این گونه داستان‌ها روح داستان را خراب می‌کنند. در



«مینی مالیسم» و  
داستان‌هایش را  
نیاید با «هایکو»  
و «تانکا» اشتباه  
گرفت که اینها  
بیشتر در شرق  
به‌ویژه ژاپن مورد  
توجه بوده‌اند و در  
ضمن، گونه‌های شعری  
هستند و ادبیات  
مینی مال، مبتنی بر  
نثر است نه شعر  
اما اغلب بر سبیل  
تسامح، گاهی به  
اشعار نیز با  
چنین رویکردی  
نگریسته می‌شود

### منابع

(الف)

۱. ارجی، علی‌اصغر؛ ۵۰ داستان مینی مالیستی، چ اول، قم، زیتون، ۱۳۸۵.
  ۲. امین‌پور، قیصر؛ دستور زبان عشق، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۷.
  ۳. شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، بوستان، چاپ چهارم، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.
  ۴. گلستان، به تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران، خوارزمی/ ۱۳۶۹.
  ۵. شمیسا، سیروس؛ انواع ادبی، چاپ دهم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۸۳.
  ۶. فروغی، محمدعلی؛ رباعیات خیام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۴.
  ۷. محمدی وایقانی، کاظم؛ شبلی، چاپ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
  ۸. میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت؛ واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، چاپ اول، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۷۷.
  ۹. میرصادقی، میمنت؛ واژه‌نامه هنر شاعری، چاپ دوم، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۷۶.
- (ب) مجلات و مقالات
۱. بارت، جان؛ چند کلمه درباره مینی مالیسم؛ مترجم: مریم نبوی‌نژاد، زنده‌رود، ش ۱۴ و ۱۵ و ۱۶.
  ۲. جزینی، جواد؛ ریخت‌شناسی، کارنامه، دوره اول، شماره ششم (۱۳۷۸).
  ۳. پارسا، سیداحمد؛ مینی مالیسم و ادب پارسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر، ش ۲۰، زمستان ۸۵.
- (پ) برای کسب اطلاعات بیشتر به این منابع رجوع کنید:
۱. داستان‌های مینی مال در ژاپن؛ ناهاکو تاوا راتانی، ادبیات داستانی، دوره ۸، شماره ۵۳ (۱۳۷۹).
  ۲. درباره مینی مالیسم؛ جان بارت، مترجم: کامران پارسی‌نژاد، ادبیات داستانی، شماره ۶ (۱۳۸۱).
  ۳. سخنی کوتاه درباره مینی مالیسم، جان بارت، مترجم: کامران پارسی‌نژاد، ادبیات داستانی، شماره ۱۶ (۱۳۸۱).
  ۴. سعدی‌شناسی، اسماعیل آذر، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۷۵.
  ۳. انواع ادبی، سیروس شمیسا، چ دهم، تهران، انتشارات فردوس/ ۱۳۸۳، ص ۱۹۶.
  ۴. همان
  ۵. ریخت‌شناسی؛ جواد جزینی، کارنامه، دوره اول/ ۱۳۷۸، سال ششم، ص ۳۵.
  ۶. واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، جمال میرصادقی و میمنت میرصادقی، چ اول، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۷۷، ص ۸۹.
  ۷. چند کلمه درباره مینی مالیسم، جان بارت، مترجم: مریم نبوی‌نژاد، زنده‌رود، ش ۱۴ و ۱۵ و ۱۶، ص ۵.
  ۸. ریخت‌شناسی، جواد جزینی، همان، ص ۷.
  ۹. آثار «جیمز جویس» چون «یولیسیز» و «بیداری فینه‌گان»، و «مارسل پروست» مثل «زمان از دست رفته» کلان‌گر هستند (رک. واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، همان)
  ۱۰. در مورد داستان کوتاه: رک: انواع ادبی، سیروس شمیسا، همان، صص ۱۹۷-۱۹۵.
  ۱۱. ۵۰ داستان مینی مالیستی، علی اصغر ارجی، چاپ اول، قم، زیتون، ۱۳۸۵، ص ۲۰.
  ۱۲. مینی مالیسم ادبی، سه‌شنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۸۷ (WWW.PERSIANGRAPHIC.COM).
  ۱۳. گلستان، شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، به تصحیح غلامحسین یوسفی، چ دوم، تهران، خوارزمی/ ۱۳۶۹، ص ۸۳ (باب اول/ حکایت ۳۷)
  ۱۴. ۵۰ داستان مینی مالیستی، همان، ۲۷.
  ۱۵. همان: ۴۱.
  ۱۶. همان: ۳۲.
  ۱۷. همان: ۸۵.
  ۱۸. دستور زبان عشق؛ قیصر امین‌پور/ ۱۳۸۷، صص ۱۷-۱۸.
  ۱۹. رک: مینی مالیسم ادبی، سه‌شنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۸۷ (WWW.PERSIANGRAPHIC.COM).
  ۲۰. گلستان، همان، ص ۹۲ (باب دوم/ حکایت ۱۴) و ص ۱۱۱ (باب سوم/ حکایت ۸).
  ۲۱. بوستان، شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، به تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خوارزمی/ ۱۳۶۹، ص ۵۲ (باب اول ابیات ۴۷۹-۴۷۸).
  ۲۲. بوستان، شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، همان، ص ۱۶۱ (باب هفتم/ ابیات ۳۰۷۸-۳۰۷۶).
  ۲۳. گلستان/ همان: ۱۱۰ (باب سوم/ حکایت ۵).
  ۲۴. سیدرسول معرک‌نژاد، اسفند ۱۳۸۶ (MOAREK.BLOGFA.COM).